

شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید (۶)

عالمی دیگر باید ساخت وزن و آدمی

مسعود لعلی



نشر بهار سبز

۱۳۸۸

سرشناسه	: لعلی، مسعود، ۱۳۵۵ - -
عنوان و پدیدآور	: عالمی دیگر بیاید ساخت و زنو آدمی / مسعود لعلی.
مشخصات نشر	: تهران: بهار سبز، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص.
فروست	: شما عظیم تر از آنی هستید که می اندیشید ۶
شابک	: ۹۷۸۰۶۰۰۰۵۳۸۴۰۰۰۰ ریال: ۳۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان های اخلاقی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: داستان های عرفانی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: BP ۲۴۹ / ۵ / J۷ ع ۲۱۳۸۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۸
شماره کتابخانه ملی	: ۱۵۷۲۳۹۳



انتشارات بهار سبز

عالمی دیگر بیاید ساخت و زنو آدمی

شما عظیم تر از آنی هستید که می اندیشید ۶

مؤلف: مسعود لعلی

سروراستار: اکبر نعمتی «آئین»

ویراستار: طویی «مهین» اسدالله

طراح جلد: روح اله گیتی نژاد

امور فنی و هنری: مهناز عزب دفتری

لیتوگرافی: صاحب

چاپ: گنج شایگان

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۰۶۰۰۰۵۳۸۴۰۰۰۰

نشانی: خیابان ولی عصر، خیابان شهید ولدی، پلاک ۱/۲

تلفکس: ۸۸۹۴۵۷۹۰: کد پستی: ۱۵۹۳۷۳۳۱۴۹

پست الکترونیک: info@baharesabz.com

حق چاپ محفوظ است.

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
«مولوی»

مقدمه

(حکایت‌ها و حکمت‌ها)

در روزگاری دور، پیرمردی با تنها پسرش می‌زیست. یک روز پسرک به دلیل کارهای ناشایست خود مورد خشم پدر قرار گرفت و پدر فریاد زد: «پسرم تو آدم نمی‌شوی!»

پسرک به قهر از خانه رفت و پدر را تنها گذاشت!
سال‌ها گذشت...

پسرک که اینک مرد جوانی شده و به حاکمیت شهری منصوب شده بود، یک روز عده‌ای از سربازانش را فرستاد تا پدرش را بیاورند. پدر به درگاه پسر وارد شد و پسر با تمسخر گفت:

«پیرمرد به یاد داری که به من گفتی آدم نمی‌شوی! حالا نگاه کن!»
پیرمرد که به دلیل کهولت به سختی می‌توانست ببیند کمی به صورت حاکم نگاه کرد و پسرش را شناخت و بی‌درنگ گفت:
«آری پسرم به یاد دارم، ولی من نگفتم که حاکم نمی‌شوی گفتم که آدم نمی‌شوی!»

در مثل فارسی آمده است که ملا و «دانا» شدن چقدر آسان است و آدم شدن چقدر مشکل.

موضوع انسان، رشد، تکامل و در نهایت «انسان کامل» یکی از مهم‌ترین و دیرینه‌ترین مباحثی است که در فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف فکری - فلسفی شرق و غرب وجود داشته و خواهد داشت. ما هنوز صدای پای دیوژن - حکیم یونان باستان - را در دهلیز تاریخ می‌شنویم که با چراغ در روز در جستجوی انسان کامل بود.

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسام آرزوست

رسیدن به خوشبختی، آرامش و رستگاری را باید مهم‌ترین هدف غایی بشریت نامید و به نظر می‌رسد حرکت به سوی رشد و رفع نقایص و ضعف‌های شخصیتی - رفتاری با هدف رسیدن به یک شخصیت کامل و متعادل، مهم‌ترین نقش را در راه رسیدن به آرامش و امنیت، بازی می‌کند.

و من فکر می‌کنم بزرگترین شکست زندگی هر فرد در همین حیطه به وقوع می‌پیوندد: ناکامی در خودشکوفایی.

ما حاضر به سرمایه‌گذاری روی خود نیستیم، متوجه نیستیم هر تغییری در زندگی با تغییر در درونمان آغاز می‌شود. سعی می‌کنیم با وارد شدن به روند «به دست آوردن» خلأ زندگی‌مان را پر کنیم. غافل از اینکه آنچه هستیم خوشبختی ما را رقم می‌زند، نه آنچه داریم و ثروت واقعی در «داشتن» نیست بلکه در «بودن» است.

حتی زمانی که متوجه اصل مطلب می‌شویم نیز آنقدر که باید، دارای «انضباط نفس» که شرط اصلی بُرد در این بازی درونی (خودسازی) است، نیستیم. مشکل دیگر این است که به علت خودکم‌بینی مفرط، عقده

حقارت و نداشتن عزت نفس لازم، نمی‌توانیم در ذهن خود تصویری وارسته و کامل از خویشتن‌مان بیافرینیم. به‌کلامی ساده خود را باور نداریم. باور نداریم که «اقتدار» و «ارزش»، حقیقت‌ذاتی وجودمان است. ماحصل، آنچه تجربه می‌کنیم، ضعف، اضطراب، خشم، خشونت، ناامیدی و احساس تهی شدن است. در نهایت جهانی درمانده، توأم با اختلاف، نزاع، برتری‌طلبی، خشونت و بحران به‌وجود می‌آید.

در چنین شرایطی به‌عنوان یک راه‌حل، سفر بیرونی را آغاز می‌کنیم: سفری برای رفتن به‌جایی دیگر و یافتن انسانی، برتر، ابرمرد، انسان کامل، مراد و یا حتی نیمه گمشده خود.

در واقع پیداکردن انسان، کامل بخش مهم و قابل توجهی از راه حل، ساختن دنیای بهتر و فرار از جهنم یأس‌ها و عواطف منفی فردی را تشکیل می‌دهد.

دو سفر و دو انتخاب در پیش است. یکی، سفری بیرونی و دیگری سفری درونی. اما دومین انتخاب، در نهایت ما را با وجود برتر خود رو به‌رو می‌گرداند. عظمتی که در اعماق وجودمان چونان گنجی به‌انتظار کاشفی شجاع و متهور نهفته و مدفون است.

خودمان گنجی هستیم که می‌جوئیم

داستان سیمرغ عطار را من به‌عنوان یکی از هیجان‌انگیزترین و بهترین داستان‌هایی که به‌شکل تمثیلی، حقیقت بازگشت به‌خویش را، آشکارا بیان می‌کند، همیشه دوست داشته‌ام.

هزاران مرغ گردهم می‌آیند تا سفری آغاز کنند با هدف یافتن سیمرغ که در کوه قاف منزل دارد. سفر آغاز می‌شود و در هر منزل و

مرحله، تعدادی مرغ از طی مسیر باز می‌مانند، تا در نهایت «سی مرغ» باقی می‌مانند. و آنچه عیان می‌شود این حقیقت است که سیمرغی که برای یافتنش جلای وطن کرده بودند خودشان هستند. خودشان گنجی بودند که به دنبالش می‌گشتند.

جمله گفتند آمدیم این جایگاه
تا بود سیمرغ ما را پادشاه
مدتی شد تا درین راه آمدیم
از هزاران، سی به درگاه آمدیم
چون نگه کردند آن «سی مرغ» زود
بی شک این سی مرغ آن «سیمرغ» بود

خودمان نیمه گمشده خودمانیم. خودمان ناجی خویشتیم و بهترین راه برای دیدار و درک حضور انسان کامل، ساختن یک انسان کامل در درون مان است. باید همان فردی شویم که آروزی همنشینی و مجالست با وی را داریم. در این صورت سفر طولانی زندگی برای یافتن ابرمرد زندگی مان با پایانی شکوهمند و رضایت بخش به اتمام می‌رسد.

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس
خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس

هر چند این کتاب، به عنوان ششمین جلد از مجموعه کتاب‌های «شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید»، همانند جلد‌های قبلی

براساس داستان‌ها و حکایات الهام‌بخش شکل گرفته، اما یک تفاوت هیجان‌انگیز، آن را از دیگر مجلدات متمایز می‌کند و آن استفاده از متون و ادبیات عرفانی و پُرافتخار ایران‌زمین به‌عنوان منابع اصلی مطالب و داستان‌های الهام‌بخش آن است. امیدوارم تا حدی توانسته باشم دینم را به‌فرهنگ پُرافتخار کشورم ادا کرده باشم و خواندن این مجموعه، انگیزه‌ای جدی علی‌الخصوص برای خوانندگان جوان این کتاب در رابطه با مطالعه و آشنایی بیشتر با ادبیات و متون و ذخایر ادبی ایران عزیز ایجاد کند.

با احترام - مسعود لعلی

مشهد، زمستان ۱۳۸۷

فهرست

هفت	مقدمه
۱۹	۱ در آیین جوانمردان
۲۱	رسم جوانمردی
۲۲	راز نابینایی
۲۳	امانت و امانتداری
۲۴	ایثار
۲۵	حرمت نمک
۲۷	پادشاه و پیرمرد
۲۸	ثبات در دوستی
۲۹	بهترین و بدترین فرد بنی اسرائیل
۳۱	۲ فضایل و رذایل اخلاقی (بهداشت روانی)
۳۳	حضرت آدم در برابر شش مجسمه
۳۵	از خود رمیدن
۳۶	نَفْسَت را بکش
۳۷	راز سبک‌باری
۳۸	صبر چیست؟
۳۹	شجاعت
۴۰	خُسن خلق
۴۲	خشم
۴۳	صداقت
۴۵	سه کشته‌آز

۴۶	هر دو از آن منند
۴۷	طمع
۴۹	چه کسی فقیر است؟
۵۰	این هم خواستنی ست
۵۱	وارستگی و آزادگی
۵۲	نیاز و بی نیازی
۵۳	اسکندر و دیوژن
۵۴	حجاب خودبینی
۵۵	خلوص
۵۸	شکایت از عیب جویان
۵۹	منیت
۶۰	فروتنی و تواضع
۶۱	آن پشه هم تویی، ما هیچ نیستیم
۶۲	یکرنگی و شفافیت
۶۳	ریا
۶۴	یکرنگی
۶۵	مثبت اندیشی
۶۶	چه وقت به کمال می رسیم؟
۶۷	مقام رضا
۶۸	عدم قضاوت

۶۹	۳ خدا مهربان است.....
۷۱	اثبات خود یا خدا؟
۷۲	کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟
۷۳	استجابت دعا
۷۴	کرامت چیست؟

۷۵	عنایت الهی
۷۷	در راه حق
۷۸	آیین بندگی
۷۹	رستگاری
۸۱	اخلاص
۸۳	خدا مهربان است
۸۴	دریای رحمت
۸۵	با طلا باید نوشت
۸۷	مناظره جبرئیل و میکائیل
۸۸	تعریف بلوغ
۸۹	اعتماد او به ما بود
۹۰	داستان‌های توکل
۹۱	دزد دین
۹۲	بازگشت به او
۹۳	داستان توبه عطار
۹۴	قباحت دزدی
۹۵	دو نوع مرگ
۹۷	حقیقت مرگ: تلخ یا شیرین؟
۹۸	شکر
۹۹	شمردن نعمت
۱۰۰	حج همین گردش به دور سنگ نیست

۴ انسان ۱۰۳

۱۰۵	جایگاه و رسالت انسان
۱۰۷	در جستجوی گنج
۱۰۹	حکایت نویسنده

۱۱۰	عمل بایزید
۱۱۱	نسبت و نسب
۱۱۲	شرافت
۱۱۳	داستان تغییر یک زندگی
۱۱۴	نیروی همت
۱۱۵	قدرت اراده
۱۱۶	غفلت
۱۱۸	قیمت عمر
۱۱۹	مرد به مقام بزرگ نشود
۱۲۰	راز شاد زیستن
۱۲۱	با طلا باید نوشت

۱۲۳	۵ عشق، خدمت، مهرورزی.....
۱۲۵	سهل ترین راه رسیدن به خدا
۱۲۶	عیادت از پروردگار
۱۲۷	حج عام، حج خاص
۱۲۸	استغفار از گفتن الحمدالله!
۱۲۹	ترحم به مورچه
۱۳۰	منتی به خاطر خدمت نیست
۱۳۱	حاتم طایی و برادرش
۱۳۲	دهش
۱۳۳	مرام درویشی
۱۳۴	شفقت
۱۳۵	دو نوع برخورد
۱۳۷	نیکی در عوض بدی
۱۳۸	از محبت...

۱۳۹	نرم خویی
۱۴۰	مهربانی هنر است
۱۴۱	با طلا باید نوشت
۱۴۲	من و تو
۱۴۳	من!
۱۴۴	نقصان عشق

۶ خردنامه ۱۴۵

۱۴۷	راز زندگانی جاوید
۱۵۰	عمر خریدنی نیست!
۱۵۴	پندهای لوح زرین
۱۵۶	سؤال
۱۵۷	دانایی
۱۶۱	سه چیز مجوید که نیابید
۱۶۲	در جستجوی آتش
۱۶۳	با طلا باید نوشت
۱۶۵	سخت‌ترین چیزها چیست؟
۱۶۶	اول اندیشه وانگهی گفتار
۱۶۷	چند ساله‌اید؟
۱۶۸	خانه و آشپزخانه
۱۶۹	سؤال از سقراط
۱۷۰	شکایت
۱۷۱	نام نکو
۱۷۳	سرانجام

۷ امرا و حاکمان ۱۷۵

۱۷۷	قدم اول: حکومت بر خود
-----	-----------------------

۱۷۸	جواب پیامبر
۱۷۹	در میان مردمان باش
۱۸۰	از انقراض حکومت ما
۱۸۱	ظلم
۱۸۲	آزادی بیان
۱۸۳	دغدغه
۱۸۴	امنیت اجتماعی
۱۸۵	علی (ع) و مردم انبار
۱۸۶	مسافر

۸ مثل‌ها و حکایات ۱۸۹

۱۹۱	یازده حکایت
۱۹۲	از این ستون به آن ستون فرج است
۱۹۳	آش نخورده و دهان سوخته
۱۹۴	دسته گل به آب دادن
۱۹۶	گربه را باید دم حجله کشت
۱۹۷	میان پیغمبرها جرجیس را پیدا کرده
۱۹۸	عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد
۱۹۹	علی می ماند و حوضش!
۲۰۰	همین آش و همین کاسه
۲۰۱	هیچ ارزانی بی علت نیست و هیچ گرانی بی سبب
۲۰۲	یک بام و دو هوا
۲۰۳	همه چیز را همگان می دانند و همگان هنوز از مادر نزاده اند